



مَنْ رَدَعَن عَرَضِ أَحِبِّهِ الْمُسْلِمِ وَجَبَّتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ.

پیامبر اکرم (ص): هر کس آبروی برادر مسلمانش را حفظ کند، بدون تردید بهشت بر او واجب شود.

نواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۴

بن‌بیل ملائک

بر تری به «نژاد» نیست، به «تقوا» است

◄ |
ابوالقاسم‌حسینجان

«تقوا»، کلیدی‌ترین ضریب (پارامتر)، در «معادله هستی» است. نمی‌شود این کاربردی‌ترین کلید را، در «دست» نداشت؛ اما هدایت و راهبری قرآن را در «جان» داشت.

قرآن –خودش– «تقوا» را شرط اول قدم در «هدایت» برشمرده است:

[ذٰلِكَ الْكِتَابُ، لَا رَيْبَ فِيهِ؛ هَدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ]! - قرآن بقره، ۲-

این همان کتاب است، که تردیدی در آن نیست:هنمودی برای پروایشگان! تقوا، همان ایمان عملیاتی و اجرایی ست؛ که اگر نباشد، انکار «ایمان» هم تلقه‌ای بیش نیست. نمی‌شود کاری درست نکرد، اما به دستاوردی درست رسید. «تقوا»، همان «کاری درست کردن» است! تشخیص درست و درمان، و بجا و بهنگام– که در آن طرح و برنامه، با رعایت اولویت‌های اصولی و کار، پایه‌گذاری و عملیاتی

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

می‌شود - ساماندهی و سازماندهی تقوا است. نقطه آغاز تقوا، توجه کردن و کارها را تنظیم و ترتیب دادن است.

نمی‌شود ترتیب و تنظیم نداشت، اما تقوا داشت.

اگر مولع‌الی علیه‌السلام، در اوپسین فرصت حیات دنیایی‌اش در قالب «وصیت» به فرزندانش - حسن و حسین علیهم السلام - تاکید می‌کند که:

[اوصیکما... بتقوی الله و نظم امرکم!] - نهج البلاغه/خطبه ۴۷ -

هردوتان را، به «تقوا» و «تنظیم کارها»، سفارش می‌کنم.

معنایش آن است که «تقوا» و «تنظیم برنامه‌ها» درهم تنیده‌اند؛

و این دورا نمی‌شود، جدای از هم، فهم کرد و درنظر آورد!

هر که «اولویت‌ها» را ندانست، «تقوا» را هم نمی‌شود که بداند...

اولویت‌بندی امور، زیربنایی‌ترین نکته و نقطه مدیریتی است.

پس تقوا، در یک حیات مؤمنانه، زیربنایی‌ترین ایمان کاربردی است؛ و در این نگاه و نگره حیاتی، آن کس به پالندگی و رشد و کرامت

بایسته‌های طلب رزق از نظر صحیفه سجادیه

سیدالاسجدین(ع) در بند ۱۳ دعای ۱۳ صحیفه که در طلب حاجت بیان شده، قابل درک است:

«فَمَنْ حَاولَ سَدَّ حَولَهُ مِن عَنَدِكَ وَ رَاقَ صَرفَ الفَقْرِ عَن نَفْسِهِ بِكَ فَقَدْ طَلَبَ حاجَتَهُ فِي مَظانِها وَ اَتَى طَلِبَتَهُ مِن وَجْهِها».
هر که نیازش را از جانب تو برطرف کند و تهیدستی خود را به (وسیله) که تو از خود دور سازد، نیازش را از جایگاهش طلب کرده و مطلوبش را از راهش خواسته است.

عدم توجه به این جایگاه و غیر خدا را سبب برآورده شدن حاجت دانستن، فرد را در معرض محرومیت از لطف الهی و از دست دادن احسان خداوند قرار می‌دهد. در بند بعدی، امام سجاد(ع) به این مورد اشاره کرده اند: «وَمِن تَوَجُّهٍ بِحَاجَتِهِ اِلی اَحدٍ مِن خَلقِكَ اِوُ جَعَلَهُ سَبَبٌ نُجَاجِها دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْجَرمَانِ وَ اسْتَحَقَّ مِن عَنَدِكَ فَوْتُ الاَحرَسانِ». یعنی هر که برای حاجتش نزد مخلوق رود، با آنان را سبب نیل به حاجتش قرار دهد، ناامید شود و از جانب تو سزاوار است که مشمول احسانت نشود.

در بحث طلب از خدا و در خانه غیر او نرفتن نکته ظریفی وجود دارد که توجه به آن ضروری است. در طلب حاجت، اگر خداوند اراده کند اسباب هم سببیت پیدا می‌کنند و اثرگذار خواهند بود وگرنه این واسطه‌ها هیچ کاربردی نخواهند داشت و انسان را به خواسته‌اش نمی‌رسانند. علاوه‌بر این موجب گرفتاری انسان در دام مدح یا ذم دیگران می‌شوند.

در بند ۲۶ از دعای ۲۰ اینگونه دعا می‌کنیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صَلِّ وَجْهِی بِالْیَسَّارِ وَ لا تَبْذِلْ حاجَی بِالْاِقْتِارِ فَاسْتَرْزِقْ اَهْلَ رِزْقِكَ وَ اسْتَغْطِی شِراقَ خَلقِكَ فَاقْتَنِزْ بِحَمْدِ مَنْ اَعطَیانی وَ ابْتَلِی بِذَمِّ مَنْ مَعَنَینی وَ اِنْتَّ مِن ذَوِیهِمْ وِلی اَخطَایَ وَ المَنعِ».
با خدا، بر محمد و آل او درود فرست و آبرویم را با توانگری حفظ نما و به تنگدستی خوایم مگردان که بدان جهت از روزی خوارانت روزی بخوایم و از مردم پست، عطا و بخشش طلبیم. تا مبادا به ستایش آنکه به من بخشیده گرفتار و به کوشش آنکه نبخشیده وادار شوم. در حالی که بخشیدن و بخشیدن نعمت‌ها به دست توست.

■ **نکته سوم) توجه به این موضوع: رزق و روزی وسیله‌ای برای امتحان ایمان و باورها**

امتحان کردن بندگان یکی از سنت‌های خداوند است. با استفاده از وسیله‌ها و راه‌های مختلف این آزمون صورت می‌گیرد. یکی از وسایل، همین وسعت دررزق یا تنگ کردن آن است که غفلت از هر کدام از این دو مورد (احتمال امتحان در زمان وسعت رزق یا تنگدستی) برای خود عواقبی دارد.

سلسله درس گفتارهای تفسیری منتشر نشده آیت‌الله شهید بهشتی (۸)

تقوا، شرط بهره‌مندی از هدایت قرآن

قرآن کلام خداست و در صدر و بالاتر از همه کلام‌ها و محیط به جامعه بشریت است. وقتی انسان به بالای قله صعود کرد، چشم‌اندازش همه افق است. تمام افق، چشم‌انداز کسی است که از بالای قله می‌نگرد. قرآن نیز کتابی است که از نظر مردم می‌توان به تفاهت می‌شوند. مانند حیوان‌های سالی قله می‌نگرد. «ذٰلِكَ الْكِتَابُ» بخصوص در ادامه می‌خواهد یکی از صفات قرآن کریم که متناسب با این نگاه است را بیان کند که «هدایت» است. درست مانند یک عامل هدایت‌کننده که در مرتفع‌ترین مکان‌ها گذارده شده تا هم همگان او را ببینند و هم او همگان را ببیند در «ذٰلِكَ الْكِتَابِ»، حاقق این دو نکته لطیف وجود دارد که می‌شود فهمید. یکی اینکه آن کتاب (قرآن) بدون شک راهنمای مردم دارای پروای الهی است. آن کتاب باعظمت، ارزنده و برجسته، کتاب راهنما است، اما برای چه کسانی؟ برای مردم پاپروا و تقواپیشه.

در جامعه هر زیادی از مردم زندگی می‌کنند که نام آنها را باید مردم بی تفاوت و بی مبالغت گذاشت. می‌گویی: اگر فلان راه را بروی، آن بلا سرت می‌آید! می‌گویی: بیایید! می‌گویی: اگر فلان راه را بروی، گرفتاری و مصیبت به سر خانواده‌ات می‌آید! می‌گویی: بیاید! می‌گویی فلان کار و روش، موجب سقوط جامعه می‌شود. می‌گویی: باش! در برابر همه‌چیز بی تفاوت است. نه تشویق در واثری شایسته دارد و نه تهدید! این مردم را با هیچ چیز نمی‌شود راهنمایی کرد، حتی قرآن هم

■ **سه‌شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۱**

■ **سال بیست و هشتم**

■ **شماره ۷۸۹۰**

اوچگیرانه‌تری دست پیدا می‌کند، که بتواند از تقوا و تنظیم برتری برخوردار شود.

در این دستگاه و سامانه (سیستم) منطقی و فکری، هیچ فرد و نژادی، برتر و سرآمدتر از دگران نیست.

در این جایگاه، قرآن یک زبان جهانی/انسانی است و روی سختش با همه جهان بشریت است، و نه فقط جامعه مسلمانان.

در همان آغاز سوره رحمان، وقتی سخن از «قرآن» و «آموزش قرآن» که به میان می‌آید، بی‌درنگ از «انسان» و «آفرینش انسان» یاد می‌شود:

و این، یعنی: «قرآن» است و «انسان» و «انسان» است و «قرآن»!...

و در بسیاری از آیه‌ها و سوره‌ها -هم- مخاطبان این کتاب کریم، همه «آدم‌های روی زمین» هستند: [یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدہ...] - قرآن/نساء، ۱ -

آی آدم‌ها!

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

سیدالاسجدین

■ **سه‌شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۱**

■ **سال بیست و هشتم**

■ **شماره ۷۸۹۰**

نشاط در عبادات

از همان پروردگار خویشتن تان، «پروا» کنبد؛ که همه شمایان را، تنها از یک «جان» آفرید...

[یا ایها الناس! انا خلقناکم من ذکر و انثی، و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا؛ ان اکرمکم عندالله، اتقاکم...] - قرآن/احجرات، ۱۳ - آی آدم‌ها!

همه‌تان را از مردی و زنی آفریدیم؛ و «شاخه‌ها» و «تیره‌ها» تان داشتیم؛ تا با - هم - دیگر آشنایی بگیرد، و به این «جمع‌بندی» و «آگاهی» برسید، که: هر‌که «پروا» یش بیش، «ارجمندی»‌اش هم بیش‌تر...

آری:

قرآن تنها «راه برون رفت» از بن‌بست‌ها و تنگناها را تقوا و تنظیم خویشتن خویش می‌داند؛ وگرنه، هر‌جا که «خدا» و «یادکرد خدای رحمان» نیست، اوضاع و احوال «زندگی»، در این همه خودپرستی‌ها و سراسیمگی‌های سر به فلک کشیده، - همیشه خدا - بحرانی است!

نشاط در عبادات

◄ |
دکتر منصور پهلوان

استاد دانشگاه تهران

از دیدگاه اولیای دین، عبادت باید با معرفت و نشاط همراه باشد و عبادتی که از معرفت و نشاط خالی باشد، ارزشی نداشته و بدان توصیه نشده است.

قرآن کریم در صفت منافقان می‌گوید: نمازشان را بدون نشاط و با کسات برپا می‌دارند (و اِذا قاموا الی الصلاہ قاموا کسالی. سوره النساء/۱۲۴). و پیامبر